تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۰

فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی مشرق موعود
سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۵

بررسی وضعیت عمومی مردم و جامعه جهانی در روایات آخرالزمان

محمدمهدی حائری‌پور[۱]

چکیده

در روایات معصومین پیشگوئی‌های فراوانی درباره حوادث قبل از ظهور بیان شده است که بخشی از آن درباره وضعیت عمومی جامعه بشری در دوره آخرالزمان و پیش از ظهور مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه است. دراین روایات روابط غلط و نابهنجار حاکم بر مردم در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی مانند حوزه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و... بیان شده است که تصویر بسیار زشتی از آن دوران را نشان می‌دهد. بررسی ابعاد گوناگون این حوادث با تحلیل و توضیح این دسته از روایات می‌تواند سوالات فراوانی را پاسخ داده و نتایجی کاربردی برای امروز جوامع اسلامی در برداشته باشد؛ بویژه بحث درباره چرایی وفلسفه بیان این پیشگوئی‌ها در لسان معصومین می‌تواند درس‌های فراوانی برای آحاد مسلمانان و به‌خصوص مسئولان و متولیان جامعه داشته باشد.

واژگان کلیدی

روابط، فساد، آخرالزمان، زنان، جامعه، امام مهدی علیه‌السلام، ظهور.

---

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (mm.haeri313@gmail.com).

مقدمه

آخرالزمان که در کتاب‌های لغت به «دوره آخر» و «قسمت واپسین از دوران که به قیامت می‌پیوندد» معنا شده است، در فرهنگ و ادبیات بسیاری از ملل و نحل به ویژه پیروان ادیان ابراهیمی، از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار است و آنها با حساسیت و دقت فراوانی این موضوع را دنبال می‌کنند. شاهد این موضوع، کتاب‌های فراوانی است که از دیر زمان در میان اقوام و ملل مختلف در زمینه نشانه‌ها و ویژگی‌های آخرالزمان نوشته شده است.

مسلمانان نیز با توجه به روایت‌های فراوانی که از پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام در زمینه آخرالزمان و رویدادها و حوادث آن نقل شده است، به این موضوع توجه فراوانی کرده و افزون بر جمع‌آوری این روایات، در مجموعه‌های روایی به نگارش کتاب‌های مستقل در این زمینه پرداخته‌اند که این کتاب‌ها معمولاً با عنوان‌هایی چون «أشراط الساعة، «علامات الساعة، علامات یوم القیامة، «الفتن»، «الملاحم»، «الفتن و المحن»، «الفتن و الملاحم» و... نامیده می‌شود.

در دایرة المعارف بزرگ اسلامی در مورد اصطلاح آخرالزمان چنین آمده است: «این اصطلاح در کتاب‌های حدیث و تفسیر در دو معنا به کار رفته است: نخست، همه آن قسمت از زمان که بنا بر عقیده مسلمانان، دوران نبوت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است و از آغاز نبوت پیامبر تا وقوع قیامت را شامل می‌شود.[1] دوم، فقط آخرین بخش از دوران یاد شده که دوره حیات آخرین وصی پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مهدی موعود عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است را شامل می‌شود که خود به دو دوره غیبت وظهور آن حضرت تقسیم می‌شود.

بر اساس روایات اسلامی، در آستانه ظهور آن حضرت که از آن با عنوان آخرالزمان یاد می‌شود، جهان دست‌خوش فتنه‌ها، آشوب‌ها و بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی می‌شود و ستم و بی‌عدالتی همه جهان را فرا می‌گیرد. این وضعیت ادامه دارد تا زمانی که قائم آل‌محمد علیه‌السلام ظهور کند و با ظهور خود، جهان را از تیرگی ستم، فساد و تباهی برهاند.

شناخت آخرالزمان به این معنا، ضرورت انکارناپذیر روزگار ماست؛ زیرا بسیاری از فتنه‌ها در این عصر هویدا می‌شود و بیم آن می‌رود که با اندک غفلتی ما نیز در گرداب فتنه‌های فراگیری که به تعبیر روایات، چون رواندازی تیره، همه را دربرمی‌گیرد و کمتر کسی از آن در امان

۱. چنان که در روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در توصیف امام مهدی علیه‌السلام آمده است: ...یَقُومُ بِالدِّینِ فِی آخِرِ الزَّمَانِ کَمَا قُمْتُ بِهِ فِی آخِرِ الزَّمَان...(بحارالانوار، ج۵۱، ص۷۹)

می‌ماند، فرو رویم.[1]

بخش قابل توجهی از روایات به پیش گویی درباره حوادث ورخدادهای آخرالزمان پرداخته است ودر این میان روایاتی است که وضعیت دینی واجتماعی مردم ونوع روابط ایشان را درآن روزگار پیشگویی کرده است. از این روایات استفاده می‌شود که گرچه عده قلیلی از مردم به ارزش‌ها واصول دینی وایمانی خود پایبند می‌مانند[2] ولی بخش عمده انسان‌ها گرفتار انواع انحرافات اعتقادی واخلاقی می‌شوند. فهم درست وتحلیل صحیح این روایات از سویی می‌تواند مانع بسیاری ازبرداشت های غلط ونیزآسیب های اجتماعی باشد واز سوی دیگر می‌تواند به درک صحیح نقش مردم در تحقق ظهوروتقویت روند زمینه سازی کمک کند.

برای پرداختن به این موضوع لازم است در چند بخش،کار پژوهش و تحقیق انجام گیرد:

یک) بررسی متون روایی درموضوع حوادث اجتماعی

ازآنجا که محور بحث در این موضوع روایات وارد شده دراین زمینه است که هم در کتب شیعه وهم در منابع روایی اهل سنت به وفور آمده است؛ ابتدا باید این روایات استخراج گردیده وتبویب شود. با مطالعه اجمالی در این روایات معلوم می‌شود که در بعضی از آنها وضع اجتماعی آخرالزمان به صورتی کلی توصیف شده است ولی برخی دیگراز آنها به جزئیات این حوادث تصریح کرده است.چنان که در عده ای ازاین روایات به موارد کلیدی و محورهای اصلی رخدادهای آخرالزمان پرداخته شده است مانند سلطه امراء سوء وائمه جور که منشا بسیاری از انحرافات و ناهنجاریها ی فردی واجتماعی هستند وبرخی دیگر از آنها به جزئی ترین موارد گناه وبدی درآن دوره اشاره کرده اند. بدیهی است که ارائه تحلیلی جامع وتصویری روشن از آخرالزمان، نیاز به بررسی همه جانبه این روایات دارد.

---

۱ . ماهنامه موعود ، شماره ۹۵، ابراهیم شفیعی سروستانی .(با تلخیص وتصرف)

۲ .مانند آنچه از پیامبراکرم ﷺ در توصیف مومنان آخرالزمان آمده است: اللَّهُمَّ لَقِّنِی إِخْوَانِی مَرَّتَيْنِ فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَ مَا نَحْنُ إِخْوَانَكَ يَا رَسُولَ اللهِ فَقَالَ لَا إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَ إِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا وَ لَمْ يَرَوْنِي لَقَدْ عَرَّفَنِيهِمُ اللهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَ أَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لَأَحَدُهُمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقَتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظَّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَضَا أُولَئِكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنْجِيهِمُ اللهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ
خداوندا! برادران مرا بمن بنمایان. اصحاب عرضکردند:یا رسول الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه! شما اصحاب من میباشید، برادران من مردمی در آخر الزمان هستند که بمن ایمان می‌آورند، با اینکه مرا ندیده‌اند. خداوند آنها را با نام و نام پدرانشان، پیش از آنکه از صلب پدران و رحم مادرانشان بیرون بیایند، بمن شناسانده است.ثابت ماندن یکی از آنها بر دین خود، از صاف کردن درخت خاردار (قتاد) با دست در شب ظلمانی، دشوارتر است. و یا مانند کسی است که پاره‌ای از آتش چوب درخت «غضا» را در دست نگاهدارد. آنها چراغهای شب تار میباشند، پروردگار آنان را از هر فتنه تیره و تاری نجات میدهد.(بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۲۴)

یکی از این روایات، روایت مفصّلی است که از امام ششم شیعیان نقل شده است. امام صادق علیه‌السلام در ابتدای این روایت، در پاسخ یکی از یاران خود که با اشاره به برخورد تحقیرآمیز منصور عباسی با آن حضرت از ایشان می‌پرسد: «اینان تا کی باید سلطنت کنند و ما کی از [آزار آنها] راحت و آسایش می‌یابیم.» می فرماید: «آیا نمی‌دانی که هر چیزی مدّتی دارد؟... آیا نمی‌دانی هر کس منتظر این امر باشد و در برابر آزار و ترسی که به او وارد می‌شود، شکیبایی پیشه کند، فردای قیامت در صف ما محشور می‌شود؟

آنگاه آن حضرت نشانه‌های آخر الزّمان یا عصر ظهور دولت حق را چنین برمی‌شمرد:

آنگاه که دیدی حق مرده است و اهل حق از میان رفته‌اند وستم همه جا را فراگرفته است و قرآن فرسوده شده و بدعت هایی از روی هوا وهوس در مفاهیم آن به وجود آمده و دین بی محتوا شده است همانند ظرفی که آن را واژگون می‌سازند و اهل باطل بر اهل حق بزرگی می‌جویند و شر آشکار شده و از آن نهی نمی‌شود و هر که کار زشت انجام دهد معذورش می‌دارند وفسق آشکار شده و مردان به مردان و زنان به زنان بسنده می‌کنند. مؤمن، سکوت اختیار کرده است و سخنش را نمی‌پذیرند وفاسق دروغ می‌گوید و کسی دروغ و افترایش را به او باز نمی‌گرداند و بچّه کوچک، مرد بزرگ را خوار می‌شمارد و پیوند خویشاوندی بریده می‌شود وهر که را به کار بد بستایند، خوش حال می‌شود وپسر بچّه همان می‌کند که زن می‌کند وزنان با زنان ازدواج می‌کنند ومداحی و چاپلوسی فراوان شده است ومرد، مال خود را در غیر راه طاعت خدا خرج می‌کند و کسی از او جلوگیری نمی‌کند وچون بیننده شخص مؤمنی را ببیند از کوشش او به خدا پناه برد وهمسایه، همسایه خود را آزار می‌دهد و در این کار مانعی برای او نیست وکافر خوشحال است از آنچه در مؤمن می‌بیند و شاد است از اینکه در روی زمین فساد وتباهی می‌بیند وآشکارا شراب بنوشد و کسانی که از خدای عزّو جلّ نمی‌ترسند، برای نوشیدنش گرد هم می‌آیند وامربه معروف‌کننده، خوار است وفاسق در آنچه خدا دوست ندارد، نیرومندو ستوده است واهل قرآن و هر که آنان را دوست دارد، خوار است وراه خیر بسته شده و راه شر مورد توجه قرار گرفته است وخانه کعبه تعطیل شده است و دستور به ترک آن داده می‌شود ومرد به زبان می‌گوید آنچه را که به آن عمل نمی‌کند ومردان، خود را برای استفاده مردان فربه می‌کنند و زنان برای زنان، زندگی مرد از پس او اداره می‌شود و زندگی زن از فرج او و زنان مانند مردان برای خود انجمن‌ها ترتیب می‌دهند و در میان فرزندان عبّاس، کارهای زنانگی آشکار می‌شود (و خود را مانند زنان زینت می‌کنند، همان گونه که زن برای جلب نظر شوهرش، خود را آرایش می‌کند وبه مردها پول می‌دهند که با آنها یا زنانشان عمل نامشروع انجام دهند وتوانگر از

شخص با ایمان عزیزتر است ورباخواری آشکار است و رباخوار سرزنش نمی‌شود وزن‌ها به زنا افتخار می‌کنند و زن برای نکاح مردان با شوهر خود همکاری می‌کند وبیشتر مردم و بهترین خانه‌ها آن باشد که به زنان در هرزگی‌شان کمک می‌کنند ومؤمن به خاطر ایمانش غم ناک و پست وخوار می‌شود وبدعت و زنا آشکار می‌شود.مردم به شهادت ناحق اعتماد می‌کنند. دستورهای دینی بر اساس تمایلات اشخاص تفسیر می‌شود و حلال، تحریم شود و حرام، مجاز و مردم چنان در ارتکاب گناه گستاخ شده‌اند که منتظر رسیدن شب نیستند ومؤمن نمی‌تواند کار بد را نکوهش کند،جز با قلب. ومال کلان در راه غضب الهی خرج می‌شود وزمامداران به کافران نزدیک می‌شوند و از نیکان دوری می‌گزینند و والیان در داوری رشوه می‌گیرند وپست‌های حساس دولتی به مزایده گذارده می‌شود ومردم با محارم خود نزدیکی می‌کنند و به تهمت وسوءظن، مرد به قتل می‌رسد ومرد به مرد پیشنهاد عمل زشت می‌کند و خود و اموالش را در اختیار او می‌گذارد و مرد به خاطر آمیزش با زنان سرزنش می‌شود(که چرا با مردان آمیزش نمی‌کند) و مرد از کسب زنش از هرزگی نان می‌خورد؛ آن را می‌داند و به آن تن می‌دهد وزن بر مرد خود مسلط می‌شود وکاری را که مرد نمی‌خواهد انجام می‌دهد و به شوهر خود خرجی می‌دهد و مرد، زن و کنیزش را (برای زنا)کرایه می‌دهد و به خوراک و نوشیدنی پستی تن در می‌دهد و سوگندهای به ناحق به نام خدا بسیار می‌شود وقمار آشکار می‌شود وشراب را بدون مانع و آشکارا می‌فروشند وزنان مسلمان، خود را در اختیار کافران می‌گذارند و لهو ولعب آشکار می‌شود و کسی که از کنار آن می‌گذرد، از آن جلوگیری نمی‌کند(وکسی جرئت جلوگیری را ندارد) وکسی که مردم از تسلط و قدرتش ترس دارند،مردم شریف را خوار می‌کند ونزدیک ترین مردم به فرمان روایان کسی است که به دشنام گویی ما خاندان ستایش شود وهر کس ما را دوست دارد،دروغ گویش می‌دانند و شهادت او را نمی‌پذیرند و مردم، در گفتن حرف زور و ناحق با همدیگر رقابت می‌کنند و شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران می‌آید و در عوض، شنیدن سخنان باطل بر مردم آسان است وهمسایه، همسایه را از ترس زبانش گرامی می‌دارد وحدود خدا تعطیل می‌شود و در آن به دلخواه خود عمل می‌کنند ومساجد طلا کاری می‌شود و راست گو ترین مردم پیش آنها، مفتریان دروغ گویند وشرّ و سخن چینی آشکار می‌شود و ستم کاری گسترش می‌یابد وغیبت را سخن نمکین می‌شمارند و مردم همدیگر را بدان مژده می‌دهند وبرای غیرخدا به حج و جهاد می‌روند وسلطان به خاطر کافر، مؤمن را خوار می‌کند.خرابی و ویرانی بیش از آبادی است وزندگی مرد از کم فروشی اداره می‌شود وخون ریزی را آسان می‌شمارند و مرد برای غرض دنیایی ریاست می‌طلبدو خود را به بدزبانی مشهور می‌سازد تا از او

بترسند و کارها را به او واگذار کنند ونماز را سبک می‌شمارند. مرد مال بسیار دارد، ولی از وقتی که آن را پیدا کرده، زکات آن را نپرداخته است. قبر مرده‌ها را می‌شکافند و آنها را می‌آزارند و کفن‌هایشان را می‌فروشند و آشوب بسیار می‌شود ومرد روز خود را به نشئه (شراب)به شب می‌برد و شب را به مستی صبح می‌کند و با حیوانات عمل زشت انجام می‌دهند و حیوانات همدیگر را می‌درند ومرد به مصلّی می‌رود، ولی چون بر می‌گردد،جامه در تن ندارد و دل مردم سخت و چشمانشان خشک می‌شود و یاد خدا بر آنان سنگین می‌آید و کسب‌های حرام گسترش می‌یابد و بر سر آن رقابت می‌کنند ونماز خوان برای ریا و خودنمایی نماز می‌خواند و فقیه برای غیر دین فقه می‌آموزد و دنیا و ریاست طلب می‌کند ومردم دور کسی را گرفته اندکه قدرت دارد وهر کس روزی حلال می‌جوید، سرزنش می‌شود و جوینده حرام، مورد ستایش وتعظیم است و در مکّه و مدینه کارهایی می‌کنند که خداوند دوست ندارد و کسی هم نیست که مانع شود و هیچ کس آنها را از این کارهای زشت باز نمی‌دارد وآلات لهو ولعب [حتی]در مکّه و مدینه آشکار می‌شود ومرد سخن حق می‌گوید و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند؛دیگران او را نصیحت می‌کنند و می‌گویند: این کار بر تو لازم نیست و مردم به همدیگر نگاه می‌کنند و به مردم بدکار اقتدا می‌کنند وراه خیر به کلّی خالی است و کسی از آن راه نمی‌رود و مرده را به مسخره می‌گیرند و کسی برای مرگ او غمگین نمی‌شود و هر سال بدعت و شرارت بیشتر می‌شود و مردم و انجمن‌ها تنها از توانگران پیروی می‌کنند و به فقیر چیزی می‌دهند، در حالی که به او می‌خندند و برای غیر خدا به او ترحّم می‌کنند و نشانه‌های آسمانی پدید می‌آید، ولی کسی از آن هراس ندارد و مردم در حضور جمع، همانند بهایم مرتکب اعمال جنسی می‌شوند و هیچ کس از ترس، کار زشت را انکار نمی‌کند و مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج می‌کند، ولی در مورد اطاعت خدا از کم هم دریغ می‌ورزد و آزار به پدر ومادر آشکار می‌شود و مقام آنها را سبک می‌شمارند و حال آنها در پیش فرزند از همه بدتر باشد و از اینکه به آنها افترا زده شود، خوشحال می‌شوند و زن‌ها بر حکومت چیره می‌شوند و پست‌های حساس را قبضه می‌کنند و کاری پیش نمی‌رود، جز آنچه به دلخواه آنان باشد و پسربه پدر خود افترا می‌زندو به پدر و مادر خود نفرین می‌کند و از مرگشان خوشحال می‌شود و اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روز گناه بزرگ مرتکب نشده باشد، مانند هرزگی یا کم فروشی یا انجام کار حرام یا می‌خوارگی، آن روز غمگین است و خیال می‌کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز بیهوده تلف شده است و سلطان موّاد غذایی را احتکار می‌کند وحقّ خویشاوندان پیامبرﷺ (خمس)به ناحق تقسیم می‌شود و بدان قمار بازی و می‌خوارگی می‌کنند.با شراب درمان می‌کنند و بدان بهبودی

می‌جویند و مردم در مورد ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی اعتقادی به آن یکسان می‌شوند ومنافقان و اهل نفاق سر وصدایی دارند و اهل حق، بی‌سر و صدا و خاموش‌اند و برای اذان گفتن و نماز خواندن، مزد می‌گیرند ومسجدها پراست از کسانی که از خدا ترس ندارند و برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق به مسجد می‌آیند و در مساجد،از شراب مست کننده توصیف می‌کند و شخص مست که از خود تهی است، بر مردم پیش نمازی می‌کند و به مستی او ایراد نمی‌گیرد و چون مست شود، گرامی‌اش می‌دارند وهر که مال یتیمان را بخورد، شایستگی او را می‌ستایند و قاضیان به خلاف دستور خدا داوری می‌کنند و زمامداران از روی طمع، خیانتکاران را امین خود می‌سازند و میراث (یتیمان) را فرمان روایان به دست افراد بد کار و بی باک نسبت به خدا داده اند،از آنها حق حساب می‌گیرند و زمام آنها را رها می‌سازند تا هر چه می‌خواهند انجام دهند و بر فراز منبرها، مردم را به پرهیزکاری دستو ر می‌دهند، ولی خود گویندگان به آن دستور عمل نمی‌کنند و وقت نمازها را سبک می‌شمارند و صدقه را به وساطت دیگران به اهل آن می‌دهند و به خاطر رضای خدا نمی‌دهند، بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آنها می‌پردازند و تمام همّ و غمّ مردم، شکم و عورتشان است، باکی ندارند که چه بخورند و با چه آمیزش کنند و دنیا به آنها روی آورده است ونشانه‌های حق کهنه گشته است.

امام صادق علیه‌السلام پس از پیش بینی این حوادث، خطاب به راوی فرمود: «در چنین زمانی مراقب خود باش و نجات خود را از خداوند بخواه و بدان که مردم با این نافرمانی‌ها سزاوار عذاب‌اند. اگر عذاب بر آنها فرود آمد و تو در میان آنها بودی، باید به سوی رحمت حق بشتابی تا از کیفری که آنها به واسطه سرپیچی از فرمان خدا می‌بینند، بیرون بیایی و"بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گرداند"[1] و" به راستی که رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است."[2]

---

۱ . ان الله لایضیع اجرالمحسنین؛(سوره توبه،آیه۱۲۰)

۲ . و ان رحمة الله قریب من المحسنین؛(سوره اعراف،آیه۵۶)؛ متن روایت این گونه است:
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام وَ ذُكِرَ هَؤُلَاءِ عِنْدَهُ وَ سُوءُ حَالِ الشِّيعَةِ عِنْدَهُمْ فَقَالَ إِنِّي سِرْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ الْمَنْصُورِ وَ هُوَ فِي مَوْكِبِهِ وَ هُوَ عَلَى فَرَسٍ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ خَيْلٌ وَ مِنْ خَلْفِهِ خَيْلٌ وَ أَنَا عَلَى حِمَارٍ إِلَى جَانِبِهِ فَقَالَ لِي يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ قَدْ كَانَ فَيَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَفْرَحَ بِمَا أَعْطَانَا اللهُ مِنَ الْقُوَّةِ وَ فَتَحَ لَنَا مِنَ الْعِزِّ وَ لَا تُخْبِرَ النَّاسَ أَنَّكَ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنَّا وَ أَهْلَ بَيْتِكَ فَتُغْرِيَنَا بِكَ وَ بِهِمْ قَالَ فَقُلْتُ وَ مَنْ رَفَعَ هَذَا إِلَيْكَ عَنِّي فَقَدْ كَذَبَ فَقَالَ لِي أَ تَحْلِفُ عَلَى مَا تَقُولُ قَالَ فَقُلْتُ إِنَّ النَّاسَ سَحَرَةٌ يَعْنِي يُحِبُّونَ أَنْ يُفْسِدُوا قَلْبَكَ عَلَيَّ فَلَا تُمَكِّنْهُمْ مِنْ سَمْعِكَ فَإِنَّا إِلَيْكَ أَحْوَجُ مِنْكَ إِلَيْنَا فَقَالَ لِي تَذْكُرُ يَوْمَ سَأَلْتُكَ هَلْ لَنَا مُلْكٌ فَقُلْتَ نَعَمْ طَوِيلٌ عَرِيضٌ شَدِيدٌ فَلَا تَزَالُونَ فِي مُهْلَةٍ مِنْ أَمْرِكُمْ وَ فُسْحَةٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ حَتَّى تُصِيبُوا مِنَّا دَماً حَرَاماً فِي شَهْرٍ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ فَعَرَفْتُ أَنَّهُ قَدْ حَفِظَ الْحَدِيثَ فَقُلْتُ لَعَلَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَكْفِيَكَ فَإِنِّي لَمْ أُخَصَّكَ بِهَذَا وَ إِنَّمَا هُوَ حَدِيثٌ رَوَيْتُهُ ←

ثُمَّ لَعَلَّ غَيْرَكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ يَتَوَلَّى ذَلِكَ فَسَكَتَ عَنِّي فَلَمَّا رَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِي أَتَانِي بَعْضُ مَوَالِينَا فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ اللهِ لَقَدْ رَأَيْتُكَ فِي مَوْكِبِ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَنْتَ عَلَى حِمَارٍ وَ هُوَ عَلَى فَرَسٍ وَ قَدْ أَشْرَفَ عَلَيْكَ يُكَلِّمُكَ كَأَنَّكَ تَحْتَهُ فَقُلْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَ نَفْسِي هَذَا حُجَّةُ اللهِ عَلَى الْخَلْقِ وَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي يُقْتَدَى بِهِ وَ هَذَا الْآخَرُ يَعْمَلُ بِالْجَوْرِ وَ يَقْتُلُ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ فِي الْأَرْضِ بِمَا لَا يُحِبُّ اللهُ وَ هُوَ فِي مَوْكِبِهِ وَ أَنْتَ عَلَى حِمَارٍ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ شَكٌّ حَتَّى خِفْتُ عَلَى دِينِي وَ نَفْسِي قَالَ فَقُلْتُ لَوْ رَأَيْتَ مَنْ كَانَ حَوْلِي وَ بَيْنَ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَاحْتَقَرْتَهُ وَ احْتَقَرْتَ مَا هُوَ فِيهِ فَقَالَ الْآنَ سَكَنَ قَلْبِي ثُمَّ قَالَ إِلَى مَتَى هَؤُلَاءِ يَمْلِكُونَ أَوْ مَتَى الرَّاحَةُ مِنْهُمْ فَقُلْتُ أَ لَيْسَ تَعْلَمُ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً قَالَ بَلَى فَقُلْتُ هَلْ يَنْفَعُكَ عِلْمُكَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِذَا جَاءَ كَانَ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ الْعَيْنِ إِنَّكَ لَوْ تَعْلَمُ حَالَهُمْ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَيْفَ هِيَ كُنْتَ لَهُمْ أَشَدَّ بُغْضاً وَ لَوْ جَهَدْتَ أَوْ جَهَدَ أَهْلُ الْأَرْضِ أَنْ يُدْخِلُوهُمْ فِي أَشَدِّ مَا هُمْ فِيهِمْ مِنَ الْإِثْمِ لَمْ يَقْدِرُوا فَلَا يَسْتَفِزَّنَّكَ الشَّيْطَانُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لكِنَّ الْمُنافِقِينَ لا يَعْلَمُونَ أَ لَا تَعْلَمُ أَنَّ مَنِ انْتَظَرَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَى مَا يَرَى مِنَ الْأَذَى وَ الْخَوْفِ هُوَ غَداً فِي زُمْرَتِنَا فَإِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْجَوْرَ قَدْ شَمِلَ الْبِلَادَ وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ خَلُقَ وَ أُحْدِثَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَ وُجِّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ وَ رَأَيْتَ الدِّينَ قَدِ انْكَفَأَ كَمَا يَنْكَفِئُ الْمَاءُ وَ رَأَيْتَ أَهْلَ الْبَاطِلِ قَدِ اسْتَعْلَوْا عَلَى أَهْلِ الْحَقِّ وَ رَأَيْتَ الشَّرَّ ظَاهِراً لَا يُنْهَى عَنْهُ وَ يُعْذَرُ أَصْحَابُهُ وَ رَأَيْتَ الْفِسْقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اكْتُفِيَ الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ صَامِتاً لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ يَكْذِبُ وَ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ فِرْيَتُهُ وَ رَأَيْتَ الصَّغِيرَ يَسْتَحْقِرُ بِالْكَبِيرِ وَ رَأَيْتَ الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ وَ رَأَيْتَ مَنْ يَمْتَدِحُ بِالْفِسْقِ يَضْحَكُ مِنْهُ وَ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْغُلَامَ يُعْطِي مَا تُعْطِي الْمَرْأَةُ وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَزَوَّجْنَ النِّسَاءَ وَ رَأَيْتَ الثَّنَاءَ قَدْ كَثُرَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْمَالَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللهِ فَلَا يُنْهَى وَ لَا يُؤْخَذُ عَلَى يَدَيْهِ وَ رَأَيْتَ النَّاظِرَ يَتَعَوَّذُ بِاللهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنَ فِيهِ مِنَ الِاجْتِهَادِ وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ وَ لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ وَ رَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحاً لِمَا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِ مَرِحاً لِمَا يَرَى فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ وَ رَأَيْتَ الْخُمُورَ تُشْرَبُ عَلَانِيَةً وَ يَجْتَمِعُ عَلَيْهَا مَنْ لَا يَخَافُ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَأَيْتَ الْآمِرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ فِيمَا لَا يُحِبُّ اللهُ قَوِيّاً مَحْمُوداً وَ رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْآيَاتِ يُحْتَقَرُونَ وَ يُحْتَقَرُ مَنْ يُحِبُّهُمْ وَ رَأَيْتَ سَبِيلَ الْخَيْرِ مُنْقَطِعاً وَ سَبِيلَ الشَّرِّ مَسْلُوكاً وَ رَأَيْتَ بَيْتَ اللهِ قَدْ عُطِّلَ وَ يُؤْمَرُ بِتَرْكِهِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُهُ وَ رَأَيْتَ الرِّجَالَ يَتَسَمَّنُونَ لِلرِّجَالِ وَ النِّسَاءَ لِلنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ دُبُرِهِ وَ مَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرْجِهَا وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَتَّخِذْنَ الْمَجَالِسَ كَمَا يَتَّخِذُهَا الرِّجَالُ وَ رَأَيْتَ التَّأْنِيثَ فِي وُلْدِ الْعَبَّاسِ قَدْ ظَهَرَ وَ أَظْهَرُوا الْخِضَابَ وَ امْتَشَطُوا كَمَا تَمْتَشِطُ الْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا وَ أَعْطَوُا الرِّجَالَ الْأَمْوَالَ عَلَى فُرُوجِهِمْ وَ تُنُوفِسَ فِي الرَّجُلِ وَ تَغَايَرَ عَلَيْهِ الرِّجَالُ وَ كَانَ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَ كَانَ الرِّبَا ظَاهِراً لَا يُعَيَّرُ وَ كَانَ الزِّنَا تُمْتَدَحُ بِهِ النِّسَاءُ وَ رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تُصَانِعُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ الرِّجَالِ وَ رَأَيْتَ أَكْثَرَ النَّاسِ وَ خَيْرَ بَيْتٍ مَنْ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ مَحْزُوناً مُحْتَقَراً ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ الْبِدَعَ وَ الزِّنَا قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَعْتَدُّونَ بِشَاهِدِ الزُّورِ وَ رَأَيْتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَ رَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحَرَّمُ وَ رَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ وَ عُطِّلَ الْكِتَابُ وَ أَحْكَامُهُ وَ رَأَيْتَ اللَّيْلَ لَا يُسْتَخْفَى بِهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللهِ وَ رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ وَ رَأَيْتَ الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُنْفَقُ فِي سَخَطِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَأَيْتَ الْوِلَايَةَ يُقَرِّبُونَ أَهْلَ الْكُفْرِ وَ يُبَاعِدُونَ أَهْلَ الْخَيْرِ وَ رَأَيْتَ الْوِلَايَةَ يَرْتَشُونَ فِي الْحُكْمِ وَ رَأَيْتَ الْوِلَايَةَ قَبَالَةً لِمَنْ زَادَ وَ رَأَيْتَ ذَوَاتِ الْأَرْحَامِ يُنْكَحْنَ وَ يُكْتَفَى بِهِنَّ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُقْتَلُ عَلَى التُّهَمَةِ وَ عَلَى الظِّنَّةِ وَ يَتَغَايَرُ عَلَى الرَّجُلِ الذَّكَرِ فَيَبْذُلُ لَهُ نَفْسَهُ وَ مَالَهُ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُعَيَّرُ عَلَى إِتْيَانِ النِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ يَعْلَمُ ذَلِكَ وَ يُقِيمُ عَلَيْهِ وَ رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا وَ تَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهِي وَ تُنْفِقُ عَلَى زَوْجِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُكْرِي امْرَأَتَهُ وَ جَارِيَتَهُ وَ يَرْضَى بِالدَّنِيِّ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ رَأَيْتَ الْأَيْمَانَ بِاللهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَثِيرَةً عَلَى الزُّورِ وَ رَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ الشَّرَابَ يُبَاعُ ظَاهِراً لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ وَ رَأَيْتَ الْمَلَاهِيَ قَدْ ظَهَرَتْ يُمَرُّ بِهَا لَا يَمْنَعُهَا أَحَدٌ أَحَداً وَ لَا يَجْتَرِئُ أَحَدٌ عَلَى مَنْعِهَا وَ رَأَيْتَ الشَّرِيفَ يَسْتَذِلُّهُ الَّذِي يُخَافُ سُلْطَانُهُ وَ رَأَيْتَ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ الْوِلَايَةِ مَنْ يَمْتَدِحُ بِشَتْمِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ رَأَيْتَ مَنْ يُحِبُّنَا يُزَوَّرُ وَ لَا تُقْبَلُ شَهَادَتُهُ وَ رَأَيْتَ الزُّورَ مِنَ الْقَوْلِ يُتَنَافَسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ ثَقُلَ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُهُ وَ خَفَّ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يُكْرِمُ الْجَارَ خَوْفاً مِنْ لِسَانِهِ وَ رَأَيْتَ الْحُدُودَ قَدْ عُطِّلَتْ وَ عُمِلَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ وَ رَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ قَدْ زُخْرِفَتْ وَ رَأَيْتَ أَصْدَقَ النَّاسِ عِنْدَ النَّاسِ الْمُفْتَرِيَ الْكَذِبَ وَ رَأَيْتَ الشَّرَّ قَدْ ظَهَرَ وَ السَّعْيَ بِالنَّمِيمَةِ وَ رَأَيْتَ الْبَغْيَ قَدْ فَشَا وَ رَأَيْتَ الْغِيبَةَ تُسْتَمْلَحُ وَ يُبَشَّرُ بِهَا النَّاسُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً وَ رَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ لِغَيْرِ اللهِ وَ رَأَيْتَ السُّلْطَانَ يُذِلُّ لِلْكَافِرِ الْمُؤْمِنَ وَ رَأَيْتَ الْخَرَابَ قَدْ أُدِيلَ مِنَ الْعُمْرَانِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ بَخْسِ الْمِكْيَالِ وَ الْمِيزَانِ وَ رَأَيْتَ سَفْكَ الدِّمَاءِ يُسْتَخَفُّ بِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَطْلُبُ الرِّئَاسَةَ لِعَرَضِ الدُّنْيَا وَ يَشْهَرُ نَفْسَهُ بِخُبْثِ اللِّسَانِ لِيُتَّقَى وَ تُسْنَدَ إِلَيْهِ الْأُمُورُ وَ رَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدِ اسْتُخِفَّ بِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ عِنْدَهُ الْمَالُ الْكَثِيرُ ثُمَّ لَمْ يُزَكِّهِ مُنْذُ مَلَكَهُ وَ رَأَيْتَ الْمَيِّتَ يُنْبَشُ مِنْ قَبْرِهِ وَ يُؤْذَى وَ تُبَاعُ أَكْفَانُهُ وَ رَأَيْتَ الْهَرْجَ قَدْ كَثُرَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ ←

ومشابه این روایت درکتاب هایی مانند کمال الدین و وسائل الشیعه نیز آمده است.[1]

دو) دسته‌بندی روایات

با توجه به تنوع موضوعات وگستردگی ابعاد مطرح شده در روایات مربوط به پیشگوئی‌های حوادث اجتماعی جامعه انسانی، لازم است قبل از بحث وبررسی درباره عناوین طرح شده در روایات، ابتدا این روایات درتنظیم وتبویب مناسبی دسته بندی و رده بندی گردد تا قضاوت درباره این روایات به صواب نزدیکتر باشد.

از پیشگوئی‌های معصومین علیهم‌السلام درباره احوال آخرالزمان معلوم می‌شود که روابط مردم در آن زمان روابط غلطی خواهد بود که فساد ناشی از آن، زوایای مختلف زندگی فردی واجتماعی

يُمْسِي نَشْوَانَ وَ يُصْبِحُ سَكْرَانَ لَا يَهْتَمُّ بِمَا النَّاسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْبَهَائِمَ تُنْكَحُ وَ رَأَيْتَ الْبَهَائِمَ يَفْرِسُ بَعْضُهَا بَعْضاً وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَخْرُجُ إِلَى مُصَلَّاهُ وَ يَرْجِعُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ ثِيَابِهِ وَ رَأَيْتَ قُلُوبَ النَّاسِ قَدْ قَسَتْ وَ جَمَدَتْ أَعْيُنُهُمْ وَ ثَقُلَ الذِّكْرُ عَلَيْهِمْ وَ رَأَيْتَ السُّحْتَ قَدْ ظَهَرَ يُتَنَافَسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْمُصَلِّيَ إِنَّمَا يُصَلِّي لِيَرَاهُ النَّاسُ وَ رَأَيْتَ الْفَقِيهَ يَتَفَقَّهُ لِغَيْرِ الدِّينِ يَطْلُبُ الدُّنْيَا وَ الرِّئَاسَةَ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ وَ رَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُذَمُّ وَ يُعَيَّرُ وَ طَالِبَ الْحَرَامِ يُمْدَحُ وَ يُعَظَّمُ وَ رَأَيْتَ الْحَرَمَيْنِ يُعْمَلُ فِيهِمَا بِمَا لَا يُحِبُّ اللهُ لَا يَمْنَعُهُمْ مَانِعٌ وَ لَا يَحُولُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْعَمَلِ الْقَبِيحِ أَحَدٌ وَ رَأَيْتَ الْمَعَازِفَ ظَاهِرَةً فِي الْحَرَمَيْنِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَتَكَلَّمُ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ وَ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَقُومُ إِلَيْهِ مَنْ يَنْصَحُهُ فِي نَفْسِهِ فَيَقُولُ هَذَا عَنْكَ مَوْضُوعٌ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ يَقْتَدُونَ بِأَهْلِ الشُّرُورِ وَ رَأَيْتَ مَسْلَكَ الْخَيْرِ وَ طَرِيقَهُ خَالِياً لَا يَسْلُكُهُ أَحَدٌ وَ رَأَيْتَ الْمَيِّتَ يُهْزَأُ بِهِ فَلَا يَفْزَعُ لَهُ أَحَدٌ وَ رَأَيْتَ كُلَّ عَامٍ يَحْدُثُ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ وَ الْبِدْعَةِ أَكْثَرُ مِمَّا كَانَ وَ رَأَيْتَ الْخَلْقَ وَ الْمَجَالِسَ لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ وَ رَأَيْتَ الْمُحْتَاجَ يُعْطَى عَلَى الضَّجِكِ بِهِ وَ يُرْحَمُ لِغَيْرِ وَجْهِ اللهِ وَ رَأَيْتَ الْآيَاتِ فِي السَّمَاءِ لَا يَفْزَعُ لَهَا أَحَدٌ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَتَسَافَدُونَ كَمَا يَتَسَافَدُ الْبَهَائِمُ لَا يُنْكِرُ أَحَدٌ مُنْكَراً تَخَوُّفاً مِنَ النَّاسِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْكَثِيرَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللهِ وَ يَمْنَعُ الْيَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللهِ وَ رَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اسْتُخِفَّ بِالْوَالِدَيْنِ وَ كَانَا مِنْ أَسْوَإِ النَّاسِ حَالًا عِنْدَ الْوَلَدِ وَ يَفْرَحُ بِأَنْ يَفْتَرِيَ عَلَيْهِمَا وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ وَ قَدْ غَلَبْنَ عَلَى الْمُلْكِ وَ غَلَبْنَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ لَا يُؤْتَى إِلَّا مَا لَهُنَّ فِيهِ هَوًى وَ رَأَيْتَ ابْنَ الرَّجُلِ يَفْتَرِي عَلَى أَبِيهِ وَ يَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَ يَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَ لَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَخْسِ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غِشْيَانِ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكِرٍ كَئِيباً حَزِيناً يَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ وَضِيعَةٌ مِنْ عُمُرِهِ وَ رَأَيْتَ السُّلْطَانَ يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ وَ رَأَيْتَ أَمْوَالَ ذَوِي الْقُرْبَى تُقْسَمُ فِي الزُّورِ وَ يُتَقَامَرُ بِهَا وَ تُشْرَبُ بِهَا الْخُمُورُ وَ رَأَيْتَ الْخَمْرَ يُتَدَاوَى بِهَا وَ يُوصَفُ لِلْمَرِيضِ وَ يُسْتَشْفَى بِهَا وَ رَأَيْتَ النَّاسَ قَدِ اسْتَوَوْا فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَرْكِ التَّدَيُّنِ بِهِ وَ رَأَيْتَ رِيَاحَ الْمُنَافِقِينَ وَ أَهْلِ النِّفَاقِ قَائِمَةً وَ رِيَاحَ أَهْلِ الْحَقِّ لَا تَحَرَّكُ وَ رَأَيْتَ الْأَذَانَ بِالْأَجْرِ وَ الصَّلَاةَ بِالْأَجْرِ وَ رَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ مُحْتَشِيَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللهَ - مُجْتَمِعُونَ فِيهَا لِلْغِيبَةِ وَ أَكْلِ لُحُومِ أَهْلِ الْحَقِّ وَ يَتَوَاصَفُونَ فِيهَا شَرَابَ الْمُسْكِرِ وَ رَأَيْتَ السَّكْرَانَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ وَ لَا يُشَانُ بِالسُّكْرِ وَ إِذَا سَكِرَ أُكْرِمَ وَ اتُّقِيَ وَ خِيفَ وَ تُرِكَ لَا يُعَاقَبُ وَ يُعْذَرُ بِسُكْرِهِ وَ رَأَيْتَ مَنْ أَكَلَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى يُحْمَدُ بِصَلَاحِهِ وَ رَأَيْتَ الْقُضَاةَ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللهُ وَ رَأَيْتَ الْوُلَاةَ يَأْتَمِنُونَ الْخَوَنَةَ لِلطَّمَعِ وَ رَأَيْتَ الْمِيرَاثَ قَدْ وَضَعَتْهُ الْوُلَاةُ لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللهِ يَأْخُذُونَ مِنْهُمْ وَ يُخَلُّونَهُمْ وَ مَا يَشْتَهُونَ وَ رَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُؤْمَرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَ لَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ وَ رَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدِ اسْتُخِفَّ بِأَوْقَاتِهَا وَ رَأَيْتَ الصَّدَقَةَ بِالشَّفَاعَةِ لَا يُرَادُ بِهَا وَجْهُ اللهِ وَ يُعْطَى لِطَلَبِ النَّاسِ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ هَمُّهُمْ بُطُونُهُمْ وَ فُرُوجُهُمْ لَا يُبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَ مَا نَكَحُوا وَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً عَلَيْهِمْ وَ رَأَيْتَ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَ اطْلُبْ إِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ النَّجَاةَ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سَخَطِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ إِنَّمَا يُمْهِلُهُمْ لِأَمْرٍ يُرَادُ بِهِمْ فَكُنْ مُتَرَقِّباً وَ اجْتَهِدْ لِيَرَاكَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ فَإِنْ نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَ كُنْتَ فِيهِمْ عَجَّلْتَ إِلَى رَحْمَةِ اللهِ وَ إِنْ أُخِّرَتْ ابْتُلُوا وَ كُنْتَ قَدْ خَرَجْتَ مِمَّا هُمْ فِيهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اعْلَمْ أَنَّ اللهَ لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَ أَنَّ رَحْمَتَ اللهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِين. (الکافی ج۸ص۳۸)

۱ . ر.ک به: کمال الدین، ج۱، ص۳۳۱و۲۵۰ و نیز وسائل الشیعه، ج۱۵، ص۳۴۹.

انسانها را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. گستردگی این بخش می‌طلبد که مقاله یا مقالاتی در خصوص این موضوع تنظیم وتبویب شود ولذا در این جا تنها نمونه هایی از این روابط غلط وحوزه درگیری با آنها را بیان می کنیم :

۱. روابط غلط اقتصادی مانند رشوه و ربا و سایر خیانت‌های مالی و گرانی واحتکار احتیاجات مردم و مشارکت مفسده بار زنان در تجارت.

۲. روابط غلط سیاسی اعم از حاکمیت نااهلان بر بخش‌های مختلف و نیز امارت زنان در امور اجتماعی با وجود این که بافت جسمی و روحی و فکری ایشان، برای امارت در این بخش‌ها مناسب نیست.

۳. روابط غلط اجتماعی مانند: مشورت با نااهلان (و کنیزان) و اعتماد به خائن و خیانت کاری امین، تصدیق انسان دروغ گو وتکذیب عناصر صادق،[۱] عدم رعایت حرمت بزرگترها توسط کوچکترها و عدم لطف وترحم بزرگترها درباره کوچکترها.[۲]

۴. روابط غلط فرهنگی واخلاقی مانند: شبیه شدن مردان به زنان و زنان به مردان و نیز اکتفا کردن مردان به مردان و زنان به زنان.[۳]

۵. تضییع حدود الهی مانند: ضایع کردن نماز، زکات، عفت، حج[۴] و...

۶. تغییر ارزش‌ها مانند این که انفال، غنیمت و زکات، غرامت دانسته می‌شود؛[۵] افراد به جای نیکی به نزدیکان مانند والدین، به دوستان خود باب احسان را بازکرده (رفیق باز می‌شوند) وبه پدر ومادر خود جفا می کنند.[۶]

و در مجموع باید گفت که در آن زمان، منکر، معروف و معروف، منکر می‌شود[۷] و بدین سان ارزش‌ها به ضد ارزش‌ها تبدیل می‌گردند.

سه) تحلیل و توضیح روایات و بررسی ابعاد آن

روایات مربوط به پیشگوئی‌های آخرالزمان ابعاد گوناگونی دارد که لازم است مورد بحث وبررسی قرار گیرد که بعضی از مهم ترین آنها را یادآور می‌شویم:

---

۱ .اشاره است به عبارت : یوتمن الخائن ویخون الامین ویصدق الکاذب و یکذب الصادق.(وسائل الشیعه ، ج۱۵، ص۳۴۸)

۲ . اشاره است به عبارت : ولایرحم کبیرکم صغیرکم ولایوقر صغیرکم کبیرکم.(بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۶۳)

۳ .اشاره است به عبارت: یکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء.(وسائل الشیعه ، ج۱۵، ص۳۴۸)

۴ .در روایت آمده است که : فلا یقام لله حد...تحج اغنیاء امتی للنزهه و...اوساطها للتجارة.(وسائل الشیعه ، ج۱۵، ص۳۴۹)

۵ .اشاره است به عبارت: یکون ...الزکات مغرما والفی مغنما (وسائل الشیعه ، ج۱۵، ص۳۴۸)

۶ . اشاره است به عبارت : یجفو الرجل والدیه ویبر صدیقه (وسائل الشیعه ، ج۱۵، ص۳۴۸)

۷ . اشاره است به عبارت :إِنَّ عِنْدَهَا یَکُونُ الْمُنْکَرُ مَعْرُوفاً وَ الْمَعْرُوفُ مُنْکَرا.(وسائل الشیعه ، ج۱۵، ص۳۴۸)

نکته مهم که اولویت دارد این است که آیا این بزهکاری‌ها و فسادی که در این گونه روایات پیش گویی شده است تصویری است که همه جهان پیش از ظهور را به نمایش گذاشته است یا آنچه بیان گردیده است مربوط به جوامع اسلامی است؟ بسیاری از مومنان با شنیدن این روایات ذهنشان به جامعه خودشان منصرف می‌گردد بخصوص که مصادیق آنچه در این روایات پیش‌گویی شده است را در محیط پیرامون خود می‌بینند؛ روابط غلط میان زنان ومردان، انواع گناه وفساد وبی عفتی و بی بندوباری وارتکاب انواع محرمات در بازار مسلمین وفسق و فجور علنی و آشکار در سطح مسئولان و متولیان امور در جوامع اسلامی وبه ویژه در کشورهای عربی منطقه، همه وهمه این برداشت را به ذهن افراد نزدیک می‌کند که معصومین علیهم‌السلام با این سخنان خواسته‌اند تصویری از جامعه اسلامی نزدیک به ظهور را در برابر دیدگان مومنان قرار دهند واین برداشت نتائج سوئی را به دنبال دارد که از جمله آنها جرات وجسارت در توسعه گناه وفساد است.

ولی دقت در متن این دسته از روایات و قرائن خارج از متن، نشان می‌دهد که دایره شمول این روایات محدود به کشورهای اسلامی نیست[1] بلکه همه جهان و پهنه زمین را شامل است. یک قرینه مهم برای این برداشت روایات فراوانی است که از شمول ظلم وجور درهمه زمین وپس از آن فراگیری عدالت درتمام ارض خبر داده است و این مضمون در روایات فراوان در منابع فریقین وبه تواتر نقل گردیده است.[2] قرینه دیگر، عبارات موجود درهمین روایات آخرالزمان است که عمومیت این روایات را می‌رساند؛ تعابیری مانند:

ورایت الجور قد شمل البلاد..ورایت الناس یعتدون بشاهدالزور...ورایت قلوب الناس قد قست... ورایت الناس همهم بطونهم وفروجهم لایبالون بما اکلوا ومانکحوا... (الکافی، ج۸، ۳۸)

بنابراین می‌توان از تعبیر بلاد(به معنی کشورها) وتعبیرالناس(به معنی همه مردم) شمول این روایات را نسبت به همه اهل زمین وهمه جوامع شرقی وغربی استفاده کرد.

نکته دیگری که در این جا جای بحث دارد این است که آیا ممکن است جوامع بشری وبویژه جوامع اسلامی به این مراحل انحطاط وپستی که در این روایات آمده است فروغلطند؟ وچنان در فساد و زشتی غرق شوند که همه مرزهای اخلاق را بشکنند؟ آیا امکان دارد محیط

۱ . والبته وبه طریق اولی نباید این پیش گویی ها و چهره زشت ارائه شده در این روایات تنها به جامعه شیعی ایران اسلامی محدود شود و با این نگاه توضیح وتفسیرگردد.

۲ . مراد عبارت معروف ومتواتراست که دوره ظهور را این گونه بشارت داده است: یملا الله به الارض قسطا وعدلا کما ملئت ظلما وجورا یعنی مهدی می آید تا زمین آکنده از ظلم وجور را از عدالت وخوبی پر کند.

انسانی به روزگاری برسد که در روابط اجتماعی، زنان به زنان ومردان به مردان اکتفا کنند و نظام خانه وخانواده فروپاشد؟ وآیا ممکن است حریم‌های اخلاقی آشکارا ودر کوچه وخیابان ودر برابر دیدگان همگان شکسته شود وکسی در ردّ و انکار آن سخنی نگوید؟ آیا به راستی در جوامع اسلامی که مردم به خدا ورسول واحکام دین ایمان دارند چنین انحطاط وحشتناکی امکان وقوع دارد؟

پاسخ این است که با توجه به این که ازنگاه انسان غربی، دین از سیاست و روابط اجتماعی جدا ومحدود به کنیسه وکلیسا ست بنابر این دین به شیوه زندگی انسان‌ها وروابط آنها کاری ندارد وانسان‌ها آزادند هرگونه روابطی را در میان خود بپذیرند وتنها ملاک ومعیار زیستن وچگونه زیستن ارضاء تمایلات وشهوات نفسانی است؛ با این طرزفکر، انحطاط اخلاقی مرزی نمی‌شناسد وبشر در سیر نزولی خود تا اسفل سافلین[1] امکان سقوط دارد وبه مرتبه ای پایین تر از چهارپایان[2] نیز خواهد رسید ولذا امروز شاهد آنیم که دربرخی از کشورها همجنس گرایی به قانونی مصوب ومورد حمایت تبدیل شده است که ننگی بزرگ برای جامعه بشری است. واما در جوامع انسانی گرچه دین در همه احکام اجتماعی حضور دارد وبرای همه زوایای زندگی فردی واجتماعی قانونی وضع کرده است که هر مسلمانی به اقتضاء دیانت اسلام باید به آنها پای بند باشد ولی نوع روابط حاکم بر جهان وتاثیرات رسانه ای غرب بر سبک زندگی مردم، جوامع اسلامی را نیز می‌تواند به همان مسیر منحط اخلاقی غرب گرفتار کند وفاجعه اخلاقی را در کشورهای اسلامی نیز رقم بزند؛ واقعیتی که امروز شاهد وقوع آن هستیم. به عبارت دیگر، انواع فسادها و بی بند وباری‌های امروز در جوامع اسلامی، ره آورد غرب وجوامع غربی است که متاسفانه به جوامع اسلامی نیز سرایت کرده است؛ واساسا توسعه این بزهکاری و فساد در جوامع اسلامی از برنامه‌های اصلی وسیاست‌های شیطانی حکام غربی است.

نکته دیگر اینکه در روایات مربوط به حوادث آخر الزمان فرازهایی دیده می‌شود که تامل در آنها وکشف حقیقت معنای آنها لازم است و درصورتی که به درستی تبیین نگردد و برداشت‌های غلط از آنها بشود عوارض فردی واجتماعی فراوان خواهد داشت.

---

۱ . اشاره است به تعبیری قرآنی که می فرماید: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ ؛ ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ (سوره تین ، آیات ۴و۵)

۲ . چنان که قران کریم می فرماید: وَ لَقَدْ ذَرَأْنا لِجَهَنَّمَ کَثِیراً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لا یَفْقَهُونَ بِها وَ لَهُمْ أَعْیُنٌ لا یُبْصِرُونَ بِها وَ لَهُمْ آذانٌ لا یَسْمَعُونَ بِها أُولئِکَ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ (سوره اعراف ، آیه ۱۷۹) و همانا بسیاری از جنّ و انس را برای دوزخ آفریدیم، (که سرانجامشان به آنجا می‌کشد، چرا که) آنان دلهایی دارند که با آن حقّ را درك نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند و گوشهایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آنان همچون چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند، آنان همان غافلانند.

برای مثال باید تامل کرد که مراد از شبیه شدن مردان به زنان وزنان به مردان چیست وچه حوزه هایی از زندگی را شامل می‌شود آیا تنها در لباس و پوشش است ویا در انتخاب فعالیت‌های اجتماعی نیز وجود دارد ؟ حکم دینی و فقهی انواع تشبه در این زمینه چیست ؟ آیا همه انواع آن حرام است ؟ توجیه عقلی وشرعی منع تشبه یک جنس به جنس دیگر چیست و به عبارت دیگر، آثار وپیامدهای این رفتار در فرد وجامعه چیست؟

نمونه دیگر این است که مقصود از مواردی مانند امارت زنان در روایات پیشگویی‌ها چیست ؟ آیا این امر فی نفسه نامطلوب است ویا با شرایطی قابل قبول و پذیرش است؟ و زنان در چه بخش هایی از جامعه مجاز به کارهای مدیریتی هستند؟

ونیز بحث در اینکه وقتی در روایات از سوارشدن زنان بر زین‌ها خبر داده شده است به معنی یک کار خلافِ رایج در آخر الزمان است یا تنها از حوادث آینده فارغ از مثبت و یا منفی بودن آن خبر داده است ؟ آیا رانندگی زنان در شرایطی خاص مانند رعایت شوون دینی وعفت اسلامی امری مطلوب و معروف است ؟

اینها ونمونه فراوانی از این دست نیاز به مطالعه و بررسی ابعاد و آثار آنها دارد.

چهار) فلسفه بیان این قسم از پیشگویی‌ها در روایات

یک سوال اساسی در این تحقیق آن است که بیان ناهنجاری‌های جامعه پیش از ظهور در قالب پیش‌گویی‌ها درکلمات معصومین علیهم‌السلام با چه هدفی انجام گرفته است که به نظر می‌رسد بخش عمده ومهم و کاربردی در این موضوع همین بخش است و به همین دلیل ما به تفصیل درباره این بخشِ موضوع بحث می‌کنیم.

ممکن است در نظر ابتدایی این طور به نظر برسد که بیان این علایم (مانند سایر علایم ظهور) برای خبر دادن از ظهور وبه بیان دقیق تر، تعیین زمان، برای ظهور مهدی موعود است؛ به تعبیر دیگر اهل‌بیت خواسته‌اند با بیان این نشانه‌ها و تکثیر ذکر این علایم و تصویر سازی از جامعه در آستانه ظهور، از وقت ظهور پرده بردارند.اما این برداشت درستی نیست زیرا در روایات به صراحت آمده است که زمان ظهور بر همگان مخفی است وکسی جز خداوند از آن پرده بر نمی‌دارد.[1] و نیز روایت شده است که وقت گذاران نسبت به ظهور دروغ گو هستند[2] و در هر رتبه

۱ . در روایتی ازامام رضا علیه‌السلام آمده است که فرمودند: ...حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم‌السلام أَنَّ النَّبِیَّ صلی‌الله‌علیه‌وآله قِیلَ لَهُ یَا رَسُولَ اللهِ مَتَی یَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّیَّتِكَ فَقَالَ ع مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِی لا یُجَلِّیهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا تَأْتِیكُمْ إِلَّا بَغْتَةً...(کمال الدین ، ج۲، ص۳۷۳)

۲ . تمام روایت این است : عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِیرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام إِذْ دَخَلَ عَلَیْهِ مِهْزَمٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ ←

ومقامی که باشند باید تکذیب شوند؛[1] بنابر این کارکرد علائم ونشانه های ظهور را باید در امری غیر از نشان دادن زمان ظهور جستجو کرد. به بیان دیگر با توجه به روایات نهی از توقیت، جایی برای بهره برداری از روایات علائم برای تعیین زمان ظهور نمی‌ماند[2] ولی بجز تعیین وقت ظهور می‌توان کارکردهای دیگری برای بیان علائم جست وجو و مطرح کرد تا بیان آنها در لسان معصومین لغو و بی فایده نباشد.

در خصوص آن دسته از پیشگوئی‌ها که ترسیمی از اوضاع اجتماعی دوران پیش از ظهور است و در این مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود با تامل در روایات می‌توان فوائد قابل توجهی را برای بیان این علائم بیان کرد که در این مجال به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. تقویت امیدواری به صلاح و اصلاح

بیان پیشگوئی‌ها درباره حوادث آخرالزمان برای این است که مومنان حتی با وجود این همه فساد وتباهی وانقلاب ارزش‌ها و ظلم فراگیر، از اصلاح امور به دست مصلح کل، مایوس نباشند و امیدشان را از دست ندهند وسبب انفعال آنها در این حوادث نشود؛ این حقیقت در روایات به روشنی تبیین گردیده و قابل تحلیل وبررسی علمی نیز می‌باشد. یک نمونه از روایات، روایت زیر است :

از عبدالرحمن ابن ابی‌لیلی نقل است که گفت: پدرم گفته: در جنگ خیبر حضرت رسول اکرم ﷺ پرچم را به حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام داد و خدا خیبر را برای او فتح کرد. سپس نصب کردن رسول خدا ﷺ آن حضرت را در روز غدیر بخلافت همراه با برخی از فضائل آن جناب بیان کرد تا آنجا که گفت: پس از آن رسول الله ﷺ گریست. عرض شد: یا رسول الله گریه شما از چیست؟ فرمود: جبرئیل علیه‌السلام مرا با خبر ساخت که مردم به او ستم می‌کنند و او را از حقش باز می‌دارند و با او مقاتله می‌کنند و فرزندانش را به قتل می‌رسانند و به آنان ظلم می‌کنند. و جبرئیل علیه‌السلام از پروردگار عزوجل خبر داد که این ناروائی و ظلم پیوسته خواهد بود تا قائمشان علیه‌السلام قیام کند که در این موقع کلمه آنان برتری گیرد و امت بر دوستی ایشان اجتماع کنند و بدگوی آنان اندک باشد و دشمن آنان ذلیل و خوار و مداح ایشان بسیار گردد و این امر

أَخْبِرْنِی عَنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِی نَنْتَظِرُهُ مَتَی هُوَ فَقَالَ یَا مِهْزَمُ کَذَبَ الْوَقَّاتُونَ وَ هَلَکَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُسَلِّمُون.(الغیبة نعمانی ، باب۱۶، ص۲۹۴)

۱ . در روایت آمده است که : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام یَا مُحَمَّدُ مَنْ أَخْبَرَکَ عَنَّا تَوْقِیتاً فَلَا تَهَابَنَ أَنْ تُکَذِّبَهُ فَإِنَّا لَا نُوَقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتا.(الغیبة نعمانی ، باب ۱۶، ص۲۸۹)

۲ . مگر در مورد علائم حتمی که در روایات آمده است که این دسته از علائم در سال ظهور رخ خواهند داد والبته این علائم نسبت به سایر علائم درصد ناچیزی است .

وقتی است که شهرها دگرگون و بندگان ناتوان گردند و نومیدی از فرج حاصل شود و در این هنگام قائم علیه‌السلام در میان آنان ظاهر گردد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: نام او مانند نام من و نام پدرش مانند نام فرزندم و او فرزند دخترم می‌باشد. خدا حق را بوسیله آنان آشکار سازد و باطل را با شمشیرشان خاموش گرداند و مردم گروهی به رغبت و گروهی بترس، از آنان پیروی کنند راوی گوید: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از گریه آرام گرفت و فرمود: ای مؤمنان شما را بشارت باد به فرج؛ زیرا وعده خدا خلاف ندارد و حکم خدا برنمی‌گردد و خدا حکیم و آگاه است همانا فتح خدا نزدیک باشد بارالها آنان کسان من باشند پس ببر از آنان پلیدی را و پاکشان ساز پاک ساختنی. بارالها نگهداری و حفظشان کن و رعایت حالشان فرما و با آنان باش و نصرت و یاریشان بده و عزیزشان بدار و خوار و ذلیل‌شان مکن و آنانرا جانشین من قرار ده که تو بر هر چیزی توانائی.[1]

در این روایت پس از بیان ظلم وستم‌های فراوان خلفای جور، سخن از بشارت به مومنان نسبت به فرج وگشایش است و آن هم به عنوان وعده تخلف ناپذیرالهی و فرمان قطعی او. روشن است که چنین رویکردی تا چه حد به امید آفرینی و نشاط نسبت به آینده اسلام و مسلمین کمک می‌کند و جبهه مومنان را در برابر دشمنانشان محکم ومقاوم می‌کند. به بیان روشن تر از آن جا که زمان ظهور براساس حکمت هایی مخفی مانده است؛ فراگیری ظلم وجور در زمین از سویی و طولانی شدن دوران غیبت و تاخیر فراوان در ظهور امام از سوی دیگر، می‌تواند حالت امیدواری به ظهور وغلبه حق را تضعیف کند به ویژه آن گاه که فساد موجود از قبیل مظاهر ومصادیقی باشد که هر شب وروز در هر کوی وبرزن در برابر دیدگان مومنین بوده و در زوایای پیدا وپنهان زندگی ایشان دیده شود. روشن است که این ضعف روحیه امیدواری می‌تواند پیامدهای بسیار خطرناکی برای جبهه مومنان داشته باشد ولی پیش گویی وقوع حوادثی در آینده به عنوان مقدمات ظهور موعود، سبب تقویت روح امید به ظهور موعود الهی

۱ . الْحَفَّارُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِی قِلَابَةَ عَنْ بِشْرِ بْنِ عُمَرَ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبَانٍ عَنْ أَبِی مَرْيَمَ عَنْ ثُوَيْرِ بْنِ أَبِی فَاخِتَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی لَيْلَی قَالَ قَالَ أَبِی دَفَعَ النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله الرَّايَةَ يَوْمَ خَيْبَرَ إِلَی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه‌السلام فَفَتَحَ اللهُ عَلَيْهِ ثُمَّ ذَكَرَ نَصْبَهُ علیه‌السلام يَوْمَ الْغَدِيرِ وَ بَعْضَ مَا ذَكَرَ فِيهِ مِنْ فَضَائِلِهِ علیه‌السلام إِلَی أَنْ قَالَ ثُمَّ بَكَی النَّبِیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقِيلَ مِمَّ بُكَاؤُكَ يَا رَسُولَ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله قَالَ أَخْبَرَنِی جَبْرَئِيلُ علیه‌السلام أَنَّهُمْ يَظْلِمُونَهُ وَ يَمْنَعُونَهُ حَقَّهُ وَ يُقَاتِلُونَهُ وَ يَقْتُلُونَ وُلْدَهُ وَ يَظْلِمُونَهُمْ بَعْدَهُ وَ أَخْبَرَنِی جَبْرَئِيلُ علیه‌السلام عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ ذَلِكَ يَزُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ وَ عَلَتْ كَلِمَتُهُمْ وَ أَجْمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَی مَحَبَّتِهِمْ وَ كَانَ الشَّانِئُ لَهُمْ قَلِيلًا وَ الْكَارِهُ لَهُمْ ذَلِيلًا وَ كَثُرَ الْمَادِحُ لَهُمْ وَ ذَلِكَ حِينَ تَغَيُّرِ الْبِلَادِ وَ تَضَعُّفِ الْعِبَادِ وَ الْإِيَاسِ مِنَ الْفَرَجِ وَ عِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْقَائِمُ فِيهِمْ قَالَ النَّبِیُّ ص اسْمُهُ كَاسْمِی وَ اسْمُ أَبِيهِ كَاسْمِ ابْنِی وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ ابْنَتِی يُظْهِرُ اللهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَ يحمد [يُخْمِدُ] الْبَاطِلَ بِأَسْيَافِهِمْ وَ يَتَّبِعُهُمُ النَّاسُ بَيْنَ رَاغِبٍ إِلَيْهِمْ وَ خَائِفٍ لَهُمْ قَالَ وَ سَكَنَ الْبُكَاءُ عَنْ رَسُولِ اللهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَالَ مَعَاشِرَ الْمُؤْمِنِينَ أَبْشِرُوا بِالْفَرَجِ فَإِنَّ وَعْدَ اللهِ لَا يُخْلَفُ وَ قَضَاؤُهُ لَا يُرَدُّ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ فَإِنَّ فَتْحَ اللهِ قَرِيبٌ اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَهْلِی فَأَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ اكْلَأْهُمْ وَ احْفَظْهُمْ وَ ارْعَهُمْ وَ كُنْ لَهُمْ وَ انْصُرْهُمْ وَ أَعِنْهُمْ وَ أَعِزَّهُمْ وَ لَا تُذِلَّهُمْ وَ اخْلُفْنِی فِيهِمْ إِنَّكَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٍ.(بحارالانوارج۵۱ص۶۷ به نقل از امالی طوسی)

خواهد بود واز بروز یاس ونومیدی جلوگیری خواهد کرد.

بررسی علمی تاثیر امید در انسان‌ها

بحث ظهور منجی در آخرالزمان که درهمه ادیان الهی وبه ویژه در ادیان ابراهیمی مطرح شده است، مبتنی بر بحث امید بخشی نسبت به آینده است زیرا یکی از ساز و کارهای مهم در زندگی انسان، امیدواری است. از نظر جهان بینی توحیدی، امید تحفه الهی است که چرخ زندگی را به گردش وا می‌دارد و موتور انگیزه و تلاش انسان را پرشتاب می‌کند. چنان که اگر روزی امید از انسان گرفته شود، دوران خمودی و ایستایی او فرا می‌رسد. به همین دلیل قرآن کریم به شدت از یاس وناامیدی نهی کرده و آن را در ردیف بزرگترین گناهان قرار داده است. این رویکرد قرآنی هم در زندگی فردی و هم در مسائل کلان اجتماعی در آیات قران منعکس است:

خداوند مهربان در جایی می‌فرماید:

قُلْ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ یَغْفِرُالذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَالْغَفُورُالرَّحِیمُ.[1]

و درجای دیگر به صورتی کلی تر می‌فرماید:

...وَ لا تَیْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللهِ إِنَّهُ لا یَیْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللهِ إِلاَّ الْقَوْمُ الْکافِرُونَ.[2]

امیدواری، حالتی نفسانی است که در آن، انسان به اموری که انتظارش را دارد دل بستگی پیدا کرده است. واین در حالی است که بیشتر وسایل و اسباب آن فراهم شده است وبرای تحقق کامل زمینه‌های آن تلاش لازم است. بنابراین اگر انسان انتظار و امید چیزی را دارد، باید خود را برای استقبال از آن آماده کند و فعال باشد وگرنه کسی که ادعا می‌کند انتظارِ چیزی را دارد و اثری در عمل او نمایان نیست، در واقع ادعای دروغی دارد؛ به عبارت دیگر میوه شیرین و گوارای درخت امید آن گاه به بار می‌نشیند که با تلاش و فعالیت آبیاری شده باشد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

لا تکن ممن یرجوا الاخره بغیرعمل؛[3]

۱ .سوره زمر، آیه ۵۳ بفرما ای بندگان من کسانی که زیاده روی کردید در معاصی بر نفوس خود ناامید نشوید از رحمت الهی درستی که خداوند می‌آمرزد گناهان را جمیع آنها را بدرستی که او خود او هم بسیار آمرزنده و هم بسیار رحم کننده است.

۲ .سوره یوسف، آیه ۷۸. و مأیوس نباشید از روح خداوند محققاً کسی مأیوس نمی‌شود از روح الهی مگر قومی که کافر بالله باشند.

۳ . نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت۱۴۲.

از کسانی مباش که بدون عمل، به آخرت امیدوار است.

ونیز هرگز نباید به بهانه امیدوارانه زیستن، انجام امور را به آینده موکول و "حال" را رها کرد؛ یعنی نباید "حال "نقد را فدای "آینده"نسیه و نیامده کرد وفرصت‌ها را از دست داد. پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر می‌فرماید:

ای ابوذر! از آن بپرهیز که خیالات و آرزوها سبب شود که کار امروز به فردا بیفکنی، زیرا تو متعلق به امروز و مال امروز هستی نه روزهای نیامده.[1]

بنابر این، نگاه امیدوارانه به آینده با تلاش و فعالیت پیوسته توأم است، در حالی که کارها را به آینده واگذار کردن، رخوت و سستی و تنبلی در زمان حال را که نقد عمر حساب می‌شود به دنبال دارد و این به معنی از دست دادن فرصت‌ها وسرمایه هاست.

اما نکته دیگر در این جا این است که متعلق امید و آرزوی انسان چه باشد واین نقطه، بسیار مهم و تعیین کننده است؛ اگر امید و آرزو از محدوده تنگ دنیای مادی خارج گردد و به آرمانی باقی و ثابت و همیشگی تبدیل شود، آدمی به آروزی برتر نزدیک شده است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

من یکن الله أمله یدرک غایة الامل و الرجاء.[2]

قرآن مجید آرزویی را که درجهت ارزش های والای انسانی بوده و رنگ الهی به خود گیرد، برترین آروزها و امیدها دانسته است آن جا که می‌فرماید:

المال و البنون زینه الحیوه الدنیا و الباقیات الصالحات خیرعند ربک ثوابا و خیرأملا.[3]

این امید متعالی گرچه به خود جامه عمل نپوشد، ارزش مند است و از روایات استفاده می‌شود که خداوند به مقدار این آرزوها و امیدها، به افراد با ایمان، اجر و پاداش می‌دهد.[4]

جریان انتظار موعود نیز چنین است و امیدواری به ظهور منجی عالم و حاکمیت ارزش‌ها و رفع همه ظلم ها در دولت او جریان مبارکی در زندگی بشر است که دستاوردهای فراوانی دارد:

---

۱ . بحارالأنوار، ج۷۴ ،ص ۷۷ ، باب ۴-یا أَبَا ذَرٍّإِیَّاكَ وَ التَّسْوِیفَ بِأَمَلِكَ فَإِنَّكَ بِیَوْمِكَ وَ لَسْتَ بِمَا بَعْدَهُ ...(مکارم الاخلاق ، ص۴۵۹)

۲ . هر کس خداوند آرزو و آرمانش باشد ، نهایت آرزو و امید را دریافته است. (غرر الحکم، ص۳۷۵.)

۳ . مال و فرزندان ، زینت حیات دنیا هستند و ارزش های پایدار و شایسته نزد پروردگارت ثوابش بهتر و امید بخش تر است .(سوره کهف، ایه ۴۶.)

۴ . در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرموده اند : گاهی بنده مؤمن تهی دست می گوید : خدایا! به من روزی عطا کن تا فلان کار خیر و نیک را به جا آورم . اگر خداوند در او صدق نیت بداند ، تمام اجر و پاداشی را که در صورت رسیدن به این آرزو و انجام کارهای خیر استحقاق پیدا می کرد ، برای او می نویسد.(بحارالانوار، ج۸ ، ص۲۶۱)

۱. (چنان که گذشت) انسان‌ها در دوره طولانی غیبت، به دلیل مشاهده ظلم وجور فراوان در زمین و در محیط زندگی خود، درخطر سرخوردگی ویاس و نومیدی از اصلاح قرار می‌گیرند ولی انتظارموعود مصلح و امیدواری به ظهور وحاکمیت او و فراگیری ارزش‌های الهی، ناامیدی را از بین می‌برد ونگاه روشنی نسبت به آینده به آنها می‌بخشد و این نگاه پایه تفکر واندیشه انسان معتقد به ظهور موعود خواهد بود.

۲. قدرت اندیشه و تفکر، بر کسی پوشیده نیست. اندیشه نه تنها بر حال انسان، بلکه بر آینده او نیز تأثیر می‌گذارد. تفکر مثبت، تولید انرژی، توانایی و دل گرمی می‌کند، چنان که، تفکر منفی موجب اضطراب و تشویش افراد می‌شود. نگاه روشن به آینده، اندیشه و فکر نابی است که امید به اصلاح را تقویت کرده آدمی را در همین مسیر روشن قرار داده ودر این راه ثابت قدم نگه می‌دارد.

۳. امیدواری نسبت به آینده و حاکمیت ارزش‌ها در همه زمین، سبب تقویت اراده انسان‌ها در برابر ناهنجاری‌ها وضد ارزش‌ها می‌شود و از بروز حالت انفعال در برابر بدی‌ها و بدکاران جلو گیری می‌کند و بدین سان فرآیند شکل گیری شخصیت مثبت آدمی تقویت وتضمین می‌گردد.

۴. همین امیدواری به عدالت و پاکی در اینده موجب جلب رحمت الهی و ثواب وپاداش اوست به خلاف حالت یاس و نومیدی که انسان را از رحمت حق محروم می‌کند.[۱]

۲.هشدار به مومنان

بیان حوادث آینده در قالب پیشگو یی‌های آخرالزمان و دوران پیش از ظهور، هشداری است که در چنین محیطی مومنان مراقب خود واهل خود باشند و جذب این فساد وآلودگی نگردند و ناخواسته در دام شیاطین جن وانس قرار نگرفته و تکمیل کننده پازل آنان نشوند بلکه با حساسیت ودقت، ایمان خود وخانواده خود وحتی محیط زندگی خود را حفظ کنند. این مهم شواهد فراوان روائی دارد از جمله آنها روایت مفصلی است که در اوائل همین مقاله ذکر شد و در عبارات پایانی آن پس از ذکر حوادث تلخِ پیش از ظهور آمده است :

و (آنگاه که) ببینی نشانه‌های حق مندرس و کهنه گشته، (در چنین وقتی) خود را واپای و از خدای عز و جل نجات بخواه و بدان که (در چنین وضعی) مردم مورد خشم خدای عز و جل

۱. با این نگاه وتحلیل نسبت به علائم و پیش گویی ها دیگر لزومی ندارد که علائم را به عنوان نشانه هایی برای بیان وقت ظهور بدانیم وبر اساس وقوع انها وکم وکیف تحقق انها به حدس وگمان درباره زمان ظهور بپردازیم و به وادی خطرناک توقیت بیفتیم بلکه وقوع هر علامت نشانه ای برای قطعیت ظهور در آینده و استمرار حالت امیدواری نسبت به آن خواهد بود.

قرار گرفته‌اند و خداوند بخاطر کاری است که بآنها مهلت داده؛ مراقب باش و کوشش کن تا خدای عزوجل تو را بر خلاف آنچه مردم در آنند مشاهده کند تا اگر عذاب بر آنها نازل گردد و تو در میان آنها باشی بسوی رحمت حق شتافته باشی و اگر جدا شوی، آنان گرفتار شوند، و تو از روش آنان و بی‌باکی آنها نسبت بخدای عزوجل بیرون باشی، و بدان که براستی خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نکند، و همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیك است.[1]

عبارت "فَكُنْ مُتَرَقِّباً وَ اجْتَهِدْ لِيَرَاكَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ"[2] به روشنی دلالت دارد که یکی از حکمت‌های بیان این دسته از علائم، هشدار به مومنان است که در این میدان فساد به شدت مراقب خود باشند و بکوشند که در جهت خلاف آن تباهی‌ها وانحراف‌ها حرکت کنند و عبارت "واجتهد" تاکیدی است بر اینکه حرکت انسان برخلاف جهت گیری عمومی جامعه و پای بندی به دین و لوازم آن درآن شرایط، کاری بس دشوار است که همتی بلند می‌خواهد. والبته یکی از موارد مهم در این عرصه این است که برخلاف اهل فساد و تباهی که دربرابر منکرات جامعه سکوت می‌کنند وبلکه همراهی وتایید می‌کنند انسان مومن، علاوه بر اینکه خود را حفظ می‌کند باید در برابر انواع منکرات در جامعه بایستد و این همان نقطه ای است که خداوند دوست دارد او را در آن موضع ببیند و این از مواضعی است که جد وجهد بسیار و صبوری و شکیبایی بر تلخی‌ها وسختی‌ها را می‌طلبد.

با این وصف نتیجه می‌گیریم که معصومین علیهم‌السلام با بیان این پیشگوئی‌ها به دنبال تقویت روحیه ایمانی مومنان و استقامت وصبوری بیشتر ایشان و درنهایت حفظ هویت ایمانی آنان در طوفان سهمگین ناهنجاری‌ها در دوره پیش ازظهور بوده اند. روایت زیر یکی از شواهد این حقیقت ناب است.

امام رضا علیه‌السلام از پدرانش علیهم‌السلام روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

> قسم به کسی که مرا بشیر مبعوث کرد به تحقیق که امام قائم علیه‌السلام از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده اوست غایب شود تا به غایتی که اکثر مردم بگویند: خدا را در خاندان محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله حاجتی نیست. و دیگران در اصل ولادت او شكّ کنند، پس هر کس در زمان او واقع شود بایستی به دین او متمسّك شود و به واسطه

۱ . ...وَ رَأَيْتَ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَ اطْلُبْ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ النَّجَاةَ وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سَخَطِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ إِنَّمَا يُمْهِلُهُمْ لِأَمْرٍ يُرَادُ بِهِمْ فَكُنْ مُتَرَقِّباً وَ اجْتَهِدْ لِيَرَاكَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ فَإِنْ نَزَلَ بِهِمُ الْعَذَابُ وَ كُنْتَ فِيهِمْ عَجَّلْتَ إِلَى رَحْمَةِ اللهِ وَ إِنْ أُخِّرْتَ انْتُلُوا وَ كُنْتَ قَدْ خَرَجْتَ مِمَّا هُمْ فِيهِ مِنَ الْجُزْأَةِ عَلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ اعْلَمْ أَنَ اللهَ لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَ أَنَ رَحْمَتَ اللهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِين.(الکافی ج۸ص۳۸)

۲ . همان.

شكّ خود راه شیطان را باز نسازد تا شیطان او را از آئین من زایل ساخته و از دین من بیرون برد که او پیش تر پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیطان را ولیّ بی‌ایمانان قرار داده است.[1]

درحوادث بد و بزهکاری های اخلاقی آخرالزمان بر تقوا ودینداری تاکید شده است و این که لازم است منتظران ظهور از شیاطین و وسوسه های او بپرهیزند و شک وشبهه را به ساحت دل و جان خود راه ندهند و این خطر انحراف تا آنجا مهم و جدی است که اهل‌بیت علیهم‌السلام راه نجات از این گردنه صعب العبور را دعا وتضرع خالصانه به درگاه خداوند دانسته‌اند و به ویژه دعاهایی را توصیه فرموده‌اند که یک نمونه آن حدیث زیر است:

عبد الله بن سنان از امام صادق علیه‌السلام روایت کند که فرمود:

به زودی شبهه‌ای به شما می‌رسد و در آن بی‌نشانه هویدا و امام هدایت بمانید و کسی از آن شبهه نجات نمی‌یابد مگر آنکه دعای غریق را بخواند، گفتم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می‌گویی:"یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلّب القلوب ثبّت قلبی علی دینك "و من گفتم:"یا الله یا رحمان یا رحیم یا مقلّب القلوب و الأبصار ثبّت قلبی علی دینك". امام فرمود: خدای تعالی مقلّب القلوب و الأبصار است و لیکن همچنان که من گفتم بگو:"یا مقلّب القلوب ثبّت قلبی علی دینك".[2]

و البته دعا و التجا به حضرت حق گرچه شرط لازم است ولی به یقین کافی نیست؛ بلکه باید در برابر هجوم شبهات به سنگر دفاعی علم و اگاهی پناه برد و خود و جامعه را در برابر انواع فساد موجود در جامعه واکسینه کرد و از اینجاست که از یکی از وظائف مهم منتظران امام مهدی علیه‌السلام رقم می‌خورد که همان کسب معرفت نسبت به امام[3] و شناخت حقوق آن حضرت بر

۱ . حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ الْهَرَوِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ علیه‌السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيراً لَيَغِيبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي بِعَهْدٍ مَعْهُودٍ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ وَ يَشُكُّ آخَرُونَ فِي وِلَادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكْ بِدِينِهِ وَ لَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكِّهِ فَيُزِيلَهُ عَنْ مِلَّتِي وَ يُخْرِجَهُ مِنْ دِينِي فَقَدْ أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلُ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الشَّياطِينَ أَوْلِياءَ لِلَّذِينَ لا يُؤْمِنُون.(کمال الدین ج۱، ص ۵۱)

۲ . عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ ، قَالَ أَبُوعَبْدِاللهِ علیه‌السلام سَتُصِيبُكُمْ شُبْهَةٌ فَتَبْقَوْنَ بِلَا عَلَمٍ يُرَى وَ لَا إِمَامٍ هُدًى وَ لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ قُلْتُ كَيْفَ دُعَاءُ الْغَرِيقِ قَالَ يَقُولُ يَا اللهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ فَقُلْتُ يَا اللهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ قَالَ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ قُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِك.(کمال الدین ج۲ص۳۵۱)

۳ . بی شک از مهم ترین عوامل صیانت مومنان در زمان غیبت و حفظ ایشان از فساد آخر الزمان معرفت بایسته به امام و توجه وارتباط پیوسته با ایشان است که به تقواپیشگی و تربیت الهی انسان کمک زیادی می کند ولذا در روایات آمده است:

ما و تلاش برای جلب رضایت او و زمینه‌سازی برای ظهور او با خودسازی ونیرو سازی است ونیز در این عرصه، وظیفه عالمان و دین شناسان تلاش بیشتر درجهت معرفی دین وباورهای دینی و زدودن خرافه‌ها و پیرایه‌ها از دامن دین است تا مومنان به واسطه فتنه شیادان به فساد زمانه دچار نشوند واز گردونه بندگی حق به دام شیاطین انس وجن گرفتار نگردند.[1]

آمادگی لازم برای مواجهه مناسب با فتنه‌ها

یک جهت دیگر در بیان این حوادث این است که مومنان در برابر این فساد فراگیر که در روایات پیش گویی شده است موضع مناسب واقدام لازم را انجام داده و حتی پیش بینی‌های لازم را داشته باشند.

بدیهی است که آن گاه که منکری به صورت موردی و جزئی در جامعه رخ دهد با آن زمان که منکری در جامعه شایع گردیده وبه صورت یک جریان فتنه وفساد درآید و دیانت سایر اعضای جامعه را به خطر اندازد تفاوت دارد و نباید برخورد با هردو مورد یکسان و دریک سطح باشد. گرچه در همه موارد وظیفه همگان امر به معروف ونهی از منکر است و این واجب الهی اگر به وسیله آحاد جامعه به درستی انجام گیرد آثار فراوانی در مهار فسادهای اجتماعی دارد ولی در موارد هجوم فتنه وفساد و عمومی شدن یک جریان باطل، لازم است جریانی وسیع و فراگیر از مقابله با ناهنجاری‌های اخلاقی تشکیل کردد تا بتواند با قوه غالبه، برآن چیره شده واز دامنه فساد و خسارات آن در جامعه مومنان بکاهد؛ بنابر این انتظار می‌رود که دولت اسلامی با ارائه لوایح و پی گیری‌های جدی و حتی در صورت لزوم، با تاسیس وزارت خانه و تمرکز قوا و

عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ ﷺ عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّ وَ جَلَ يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ فَقَالَ يَا فُضَيْلُ اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِداً فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلْ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِداً تَحْتَ لِوَائِهِ وَ رَوَاهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا بِمَنْزِلَةِ مَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ (بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۴۱ به نقل از الغیبة نعمانی).

۱ . در روایات متعدد این مهم توسط امامان تبیین گردیده است مانند این روایت:

از امام رضا ﷺ نقل است که فرموده: روز قیامت به عابد گویند: «آفرین! چه آدم خوبی! خودت را نجات دادی و هیچ کاری به دیگران نداشتی.پس داخل بهشت شو. آگاه باشید که فقیه کسی است که خیرش را به همه مردم می‌رساند، و از دست دشمنانشان می‌رهاند. و برای آنان نعمتهای بهشت خدایی را تمام و کمال دریافت می‌کند، و رضوان الهی را برایشان بدست می‌آورد. و به فقیه گفته شود: ای سرپرست ایتام آل محمّد، دوستدار ضعفای شیعه و موالی آنان، بایست تا شفاعتت را مشمول هر که از تو تحصیل کرده و دانشی آموخته، نمایی، پس می‌ایستد و گروه گروه؛ تا ده گروه صد هزار نفری را وارد بهشت می‌کند، و ایشان همان افراد علم آموخته و شاگرد او تا روز قیامتند، حال تفاوت میان دو جایگاه [عابد و فقیه] را بنگرید!.(احتجاج طبرسی، ج۱، ص۹)

بسیج نیروها به سامان‌دهی امر جامعه ومقابله نظام مند با فساد عمومی بپردازد ونیز در مسیر مقابله با فساد عمومی از همه ابزار وامکانات خود و به ویژه از انواع رسانه‌ها وامکانات هنری مانند سینما و تلویزیون در جهت مقابله با فساد اجتماعی کمک بگیرد و نیز از همه اصحاب فکر واندیشه وصاحبان ایده‌ها و طرح‌ها و نیروی آحاد جامعه بهره گرفته و دلسوزان در این عرصه را تشویق و ترغیب کند وانگیزه‌ها را به اشکال مختلف تقویت کند.

برای مثال وقتی در حوزه روابط اجتماعی، روایات پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام از گسترش فساد در رابطه بین زنان ومردان در آخرالزمان ودوران پیش از ظهور خبر داده است، این پیش گویی به منزله هشداری به مومنان است که در برابر چنین وضع نابهنجاری که پیامدهای خطرناک برای دین و دیانت مردم و به ویژه جوانان جامعه دارد خود را آماده کنند ودر این میان، مدیران فرهنگی جامعه در بخش‌های مختلف باید برای مهار این بحران اجتماعی که خود بحران‌های دیگری را به دنبال دارد برنامه ای مدون داشته باشند تا پیامدهای این مفاسد را به حداقل برسانند. امروز در کنارهمه رسانه‌های دیداری وشنیداری، شبکه‌های وسیع اجتماعی که از طریق گوشی‌های همراه به آسانی و سرعت در دسترس همگان است سبب تقویت جبهه شیطان در ترویج بدی‌ها ومنکرات گردیده است که مقابله با آن مدیریت مستقل و توانمندی را می‌طلبد. تبلیغات عمومی برای تنویر افکار عمومی و آموزش خانواده‌ها و تقویت روابط عاطفی پدران و مادران با فرزندان و تلاش برای سامان دادن ازدواج آسان وبهنگام جوانان و نیز فراهم آوری زمینه اشتغال مناسب برای پسران به ویژه متاهلین آنها ـ به عنوان نان آور خانواده ـ برخی از فعالیت‌های متولیان جامعه و خانواده‌هاست. والبته تلاش برای بیدار کردن احساس تعهد اجتماعی در آحاد جامعه و توسعه فریضه امر به معروف ونهی از منکر و بالا بردن تحمل افراد در پذیرش انتقاد از دیگران و نصیحت پذیری و تامل وتدبر و عقلانیت برای اصلاح خود ودیگران و...نیز بخش دیگری از فعالیت‌های فرهنگی مدیران امر است.

در حوزه روابط اقتصادی و فساد در حوزه تجارت و کسب نیز لازم است اولا عالمان ربانی در میان قشرهای مختلف مردم احکام حلال و حرام و مکاسب محرمه و نیز پیامدهای رشوه وربا ومعاملات نامشروع را بیان کرده و رسانه‌های جمعی مختلف به انعکاس کامل آن در بهترین شکل اطلاع رسانی بپردازند وثانیا دولت اسلامی بستر مناسب برای کار وفعالیت و تجارت حلال ومشروع ایجاد کرده، از بخش تولید و اجزاء تابع آن حمایت جدی داشته باشد و البته با قوه قهریه، حدود وتعزیرات اسلامی را درباره متخلفان و بزهکاران در بخش‌های مختلف بازار جامعه، به اجرا گذارد.

تبلیغات گسترده و نظام‌مند

برای مقابله با فساد آخر الزمان که در روایات به صورت پیش گویی بیان شده است علاوه بر مبارزه ومقابله فراگیر با فساد باید جریان ارزش‌ها و هنجارها را در جامعه تقویت کرد. در واقع بیان جزئیات بزهکاری و فسادهای جامعه پیش از ظهور در روایات، نوعی هشدار است که ارزش‌های اخلاقی در آن زمان کمرنگ وبی رونق خواهد شد پس به زبان دیگر همگان موظف می‌شوند که برای احیاء و گسترش معروف‌ها کار کنند. در این عرصه هم مبلغان دینی و حوزه‌ها ونهادهای مرتبط با آنها وهم دانشگاهیان و زیر مجموعه‌های آنها وهم دولت اسلامی با همه امکانات تبلیغی و ترویجی خود وظیفه سنگینی دارند که نمونه هایی از آن عبارتست از:

راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای و تاسیس شبکه‌های موثر رادیو وتلویزیونی و تقویت وزارتخانه‌های فرهنگی مانند فرهنگ وارشاد، اموزش عالی و آموزش وپرورش و نیز حمایت از افراد و نهادهای تبلیغی و...

نتیجه‌گیری

بحث درباره پیشگوئی‌های معصومین نسبت به وضعیت عمومی مردم در آخرالزمان بحث دامنه داری است که می‌تواند موضوع یک رساله علمی قرار گیرد ودر این مقاله تلاش شد ضمن بیان ابعاد مختلف این موضوع، درباره فلسفه بیان این قسم از پیشگوئی‌ها بیشتر بحث شود که البته این بخش می‌تواند بیش از این مورد عنایت محققان قرار گیرد و نتایج علمی و عملی بیشتری را به دنبال داشته باشد.

منابع

- کافی، کلینی، محمدبن یعقوب، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
- کمال‌الدین، ابن بابویه محمدبن علی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ق.
- وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
- بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- الغیبة، ابن ابی‌زینب، محمدبن ابراهیم، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
- امالی، طوسی، محمدبن الحسن، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
- احتجاج، طبرسی، احمدبن علی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
- مکارم الاخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ق.